



سرانجام صبح روز رفتن به حسینه
الزهرا (س) رسید و ریحانه با پدر
و مادرش خدا حافظی کرد که بره
اعتکاف.

با خدا خصوصی و صمیمی حرف زدن
چه حس خوبی داره. بعد از هر نماز،
دعا کردن برای سلامتی و ظهور امام
زمان (عج) جونمون، دعا برای همه ی
همسایه ها، عزیزان و آشناها و دوستان.



همیشه زمان تو خوشی ها زود می گذره. این
روزای اعتکاف هم گذشت و وقت رفتن به
خونه شد. ریحانه دم در حسینه تصمیم
می گیره سال دیگه هم بیاد اعتکاف.



حالا یه روز دیگه است و ریحانه به خونه اومده
و داره خاطرات خوب روزای اعتکافش رو
می نویسه. درسای خوب، دوستای جدید خوب
و فکرای خوب. آفرین به دختری که دوست
خداست.

با تشکر از عکاس محترم
مامان ریحانه

